

بررسی تطبیقی طنزپردازی در شعر محمدعلی افراشته و احمد مطر

حبیب حاجی پور*

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۰

پروین دخت مشهور**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۷

چکیده

استفاده از طنز به نیت بازگویی دغدغه‌های مردمی، روشی ایده‌آل برای شاعرانی است که با حکومت‌های استبدادی روبه‌رو هستند. در ایران (دوران پهلوی دوم) و عراق (دوران بعث) به دلیل فضای بسته سیاسی و اختناق حاکم، محمدعلی افراشته و احمد مطر، با سودجستن از شگردهای متنوع طنزسرایی، به تشریح کاستی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند و شعر خود را بستری مناسب جهت تبیین دغدغه‌های خرد و کلان افراد قرار داده‌اند. بررسی این شگردها در سروده دو شاعر با رویکرد تطبیقی (آمریکایی) و روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که آن‌ها با استفاده از ترفندهایی چون تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار؛ تهکم و استهزاء؛ برعکس‌گویی؛ واژه‌های طنزآمیز و توصیف خنده‌دار، ضمن قوام بخشیدن به ساختار طنزهای خود، بر اثربخشی انتقادهای مورد نظرشان افزوده‌اند. افراشته و مطر به صورت مجزاً از تکنیک‌های دیگری هم استفاده کرده‌اند که در طنز افراشته، نقیضه‌سازی و در طنز مطر، غافلگیری، اغراق و تناقض برجسته‌تر بوده است. کارکرد اصلی طنز در سروده‌های دو شاعر، سیاسی-اجتماعی است و به هدف تولید خنده و تفکر به موازات هم خلق شده است تا با ساختار شکنی مبانی رسمی جامعه، زمینه برای تحولات شخصی و اجتماعی و رسیدن به آینده آرمانی فراهم گردد.

کلیدواژه‌گان: طنز، تکنیک‌های طنزپردازی، محمدعلی افراشته، احمد مطر، جامعه.

habibhajipoor.bn@gmail.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور.

P_d_mashhoor@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور.

نویسنده مسئول: پروین دخت مشهور

مقدمه

طنز یکی از ابزارهای مؤثر برای انتقاد از کم و کاستی‌های موجود در جامعه است. اهل ادب به این دلیل که همواره با نگاهی تیزبین و موشکافانه مسائل گوناگون فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند، از بهترین روش‌ها برای بازنمایی و تبیین نقص‌ها و مشکلات استفاده می‌کنند. طنز دارای قابلیت‌های ویژه‌ای برای تشریح دغدغه‌های یک شاعر متعهد است. با بهره‌گیری از این ترفند ادبی، ضمن اینکه مخاطب می‌خندد، به تفکر فرو می‌رود. اگرچه در طنز، نگاهی همراه با تمسخر و ریشخند وجود دارد اما هدف غایی از به‌سخره‌گرفتن موضوعات، بازنمایی کمبودها و در صورت امکان، ارائه راه حلی متقن برای از میان برداشتن آن است. به این اعتبار، در تعریف طنز گفته‌اند: «به نوع خاصی از آثار منظوم و منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد» (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴) و ضرورت مقابله با آن را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح می‌کند.

طنز در ادب فارسی و عربی پیشینه‌ای دور و دراز دارد که این امر ناشی از اوضاع نامطلوب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ایرانی و عربی در طول تاریخ است. طنزپردازان به مدد بهره‌گیری از این عنصر ادبی، به ناهنجاری‌ها تاخته و عاملان آن را مورد انتقاد و نکوهش قرار داده و به مردم معرفی نموده‌اند. در دوران معاصر نیز، با توجه به فراز و نشیب حکومت‌ها در ایران و عراق، طنز بستری مناسب برای اظهار نظر منتقدان فراهم کرده است. طنز متعهد فارسی، پس از انقلاب مشروطه جانی دوباره گرفت و وارد مسیری تازه‌ای شد که تا امروز نیز ادامه دارد. در دوره مشروطه «پیشوایی شعر طنز، با سید/شرف‌الدین گیلانی و پیشوایی نثر طنز با دهخدا/ دبیر روزنامه صور اسرافیل است» (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۹). جریان طنزسرایی در ادبیات عربی معاصر نیز، برجسته بوده است. محمود درویش، احمد شوقی، ایلیا ابوماضی، ابراهیم طوقان، سمیح القاسم، معروف رصافی، عبدالوهاب بیاتی و ... چهره‌های شاخص طنز عربی معاصر محسوب می‌شوند. آن‌ها آثار خود را ابزاری برای بازگویی بینش مردم معاصر عرب قرار دادند و سروده‌های خود را به تریبونی رسا برای تشریح دغدغه‌های مشترک بدل ساختند.

در میان شاعران فارسی و عرب‌زبان، محمدعلی افراشته و احمد مطر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. آن‌ها در برهه‌ای از تاریخ ایران و عراق زندگی کرده‌اند که همراه با اختناق‌های سیاسی و ضعف‌های اجتماعی پیدا و پنهان بوده است. اگرچه در هیچ منبعی به تأثیر و تأثر مستقیم یا غیرمستقیم دو شاعر اشاره نشده است، اما شرایط نابسامان سیاسی در ایران و عراق باعث قرابت فکری آن‌ها شده و شعر سیاسی-اجتماعی را به مهم‌ترین شاخصه طنز آن دو بدل کرده است. افراشته و مطر با استفاده از تکنیک‌های طنزپردازی گوناگون، پیام مورد نظر خود را با بیانی شیواتر و زبانی رساتر به گوش جان مخاطبان عام و خاص خود رسانیدند و در حوزه ادبیات انتقادی و متعهد سرآمد شدند. از این رو، در مقاله حاضر، طنزسروده‌های افراشته و مطر با رویکرد تطبیقی (آمریکایی) و روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که تکنیک‌های طنزپردازی مشترک و متفاوت در طنزهای دو شاعر چیست و چه کارکردی دارد؟

بیان مسأله

بررسی تطبیقی شگردهای طنزپردازی در اشعار افراشته و مطر و نشان دادن خویشکاری و تعهد دو شاعر در پرداختن به دغدغه‌های مردم و تشریح دردهای مشترک اجتماعی، مسأله اصلی این پژوهش است. بدین منظور، جوامع ایران در زمان پهلوی دوم و عراق در دوران حکومت بعث مورد نظر قرار گرفته است. افراشته و مطر در دوره‌ای زندگی می‌کردند که به دلیل شرایط بسته سیاسی، از ابراز نظر آزادانه محروم بودند و آثار آن‌ها و شاعران دیگر با سانسور شدید روبه‌رو می‌شد. انتقاد از حکومت و مبانی ناعادلانه آن، جرم به شمار می‌آمد و به چالش کشیدن زمامداران بی‌کفایت با پیامدهای ناگواری همراه بود. در چنین فضایی، طنز کورسوی امید را برای تغییر و رسیدن به وضعیت ایده‌آل زنده نگه می‌داشت. افراشته و مطر به لحاظ شخصیتی، منظومه فکری و تجربه‌های فردی دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که منجر به نزدیکی نگرش آن‌ها شده است. این ویژگی‌های عبارت‌اند از رویکرد اصلی طنزهای هر دو شاعر، سیاسی و اجتماعی است؛ هر دو شاعر، اختناق و فضای بسته سیاسی را لمس کرده‌اند؛ هر دو

شاعر، از شعر به عنوان ابزاری جهت آگاهی لایه‌های اجتماعی و اعتراض به وضع موجود بهره برده‌اند؛ هر دو شاعر، آوارگی و تبعید در کشوری دیگر را تجربه کرده‌اند؛ هر دو شاعر، به روزنامه‌نگاری مشغول بوده‌اند؛ در اشعار هر دو شاعر، غرب‌ستیزی نمود ویژه‌ای دارد.

پیشینه تحقیق

تا کنون در هیچ پژوهشی، طنزهای *افراشته* و *مطر* با رویکرد تطبیقی بررسی نشده است که این امر بر جنبه‌های نوآورانه مقاله حاضر می‌افزاید. با این حال، پیرامون اشعار هر یک، تحقیقاتی انجام شده است که به آن اشاره می‌شود:

- موسوی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای به بررسی بازتاب قشربندی اجتماعی در طنز نسیم شمال و *افراشته* پرداخته است. از دید او، حضور لایه‌های اجتماعی در شعر این دو، نشان‌دهنده ستمی است که در دوران حکومت‌های وقت از لایه‌های بالا بر قشرهای پایین جامعه ایران تحمیل شده و باعث بروز نابرابری‌ها و تمایزهای طبقاتی آشکاری گردیده است.

- صدقی و قدیمی (۱۳۸۴) در مقاله خود به مهم‌ترین عناصر معنایی شعر *احمد مطر* یعنی بی‌پروایی و بلندپروازی شاعر، ستمگری و تکبر حاکمان، بدبختی و ستم‌پذیری مردم و پلیدی و سمجی جاسوسان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شاعر با کمک این عناصر چهارگانه، موفق به ارائه تصویری طنزآمیز و بزرگ‌نمایی شده از مشکلات کشورهای عربی شده است.

- رجبی (۱۳۹۱) در مقاله خود به مقایسه رسالت طنز در شعر *میرزاده عشقی* و *مطر* پرداخته و نشان داده است که طنزهای آن‌ها آگاهی را بیش از هر چیز در مخاطبان خویش تبلور داده و فضا را برای داشتن اجتماعی مطلوب فراهم کرده است.

- مختاری، سپهری‌نیا و جوکار (۱۳۹۲) در مقاله خود به مقایسه محتوای سیاسی-اجتماعی طنزهای عبید *زاکانی* و *مطر* پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که عبید در طنزپردازی گاهی به هزل گرایش پیدا کرده است، اما *مطر* با رعایت جوانب ادب، از حقایق تلخ روزگارش سخن گفته و بر خلاف عبید، شعر خود را تنها برای مبارزه با حکومت به کار گرفته است.

- پارس‌پور و خوئینی (۱۳۹۵) در مقاله خود به محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته اشاره کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رویکردهای اصلی طنز سروده‌های شاعر، نقد اوضاع سیاسی و اجتماعی است که عمدتاً در قالب شعر، نمایشنامه و تعزیه نمود یافته است.

- عظیمی و سپهوند (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی تطبیقی طنز سیاسی- اجتماعی در اشعار نسیم شمال و مطر پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که هدف دو شاعر از پرداختن به طنز، بیداری مردم خواب‌زده ایرانی و عرب و در سطحی وسیع‌تر، تمام جهانیان بوده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

طنز ابزاری سودمند برای بازنمایی مشکلات اجتماعی و ارائه راه‌حلهایی کارآمد جهت رفع موانع رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی است. شاعران متعهد و مردمی با استفاده از طنز، ضمن پایبندی به خویشکاری شاعرانه، شعر خود را محملی مناسب برای تبیین خواسته‌های آحاد جامعه ساخته‌اند. /افراشته و مطر در جوامعی زندگی کرده‌اند که عوامل زمینه‌ساز کمال انسانی، به واسطه بی‌کفایتی مسئولان از بین رفته بود. از این رو با دستمایه قرار دادن طنز به نقد کاستی‌ها پرداختند. بازخوانی سروده‌های دو شاعر و تطبیق رویکرد آن‌ها، منجر به شناسایی عناصر تضعیف‌مبانی زندگی اجتماعی در خاورمیانه و اتخاذ راهکارهای کارساز برای حل و رفع آن می‌شود.

فضای سیاسی و اجتماعی جامعه دو شاعر

در دوران پهلوی دوم به دلیل فضای بسته سیاسی و نبود آزادی بیان، امکان انتقادهای صریح و جدی فراهم نبود. حکومت وقت با منتقدان غیردوستانه برخورد می‌کرد و اعتراض‌ها در نطفه خفه می‌شد. /افراشته در ابتدا با بهره‌گیری از زبان طنز، نقدهای خود را بازگو کرد، اما تحت تعقیب قرار گرفت و در نهایت، مجبور به ترک وطن و سکونت در غربت شد. در دوران حکومت حزب بعث در عراق نیز، چنین شرایط نامساعدی حکم‌فرما بود. صدام و عمال او پذیرای هیچ انتقادی نبودند و سرکوب‌ها در

این دوران سیر صعودی یافت. «اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی عراق، آرامش و سکوت او (احمد مطر) را به هم ریخت و وی را مجبور ساخت تا با تمام وجود به ساحت خطر خیز مبارزات سیاسی گام نهد» (نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۶: ۲۳۹). پس از مدتی که حکومت از جانب مطر احساس خطر کرده بود، با افزایش فشارها او را مجبور به خروج از کشور کرد. مطر چند سالی در کویت زندگی کرد، ولی در این کشور هم، از سوی حکومت طرد شد. در نهایت، او به سال ۱۹۸۶ میلادی به انگلستان سفر کرد و تا به امروز در شهر لندن زندگی می‌کند.

اوضاع موجود در دو کشور ایران و عراق باعث شده بود، دو شاعر برای تشریح انتقادهای خود از زبان طنز استفاده کنند. آن‌ها به دلیل باور به رسالت و تعهد ادبی، خود را موظف به انتقاد از کم و کاستی‌های موجود می‌دانستند. شعر برای /فراشته و مطر، جولانگاه تخیل و مباحث غنایی و شخصی نبود، بلکه هدف آن‌ها از پرداختن به طنز، بازگویی دردهای مشترک خلق و برانگیختن جامعه برای درهم‌شکستن مبانی ظالمانه و آلوده به فساد حکومت‌ها و تحقق برابری اجتماعی بوده است. آنچه باعث اثرگذاری طنزهای /فراشته و مطر در سطحی فراگیر شده، استفاده از شگردهای متنوع است. دو شاعر در سایه توجه به تکنیک‌های گوناگون، به جنبه‌های مختلف ضعف‌های اجتماعی پرداختند و با برجسته کردن ناهنجاری‌ها، بر گستره شناخت مخاطبان خود افزودند. به این اعتبار، شعر /فراشته و مطر به آینه تمام‌نمای جوامع ایران و عراق در بازه زمانی مشخصی بدل شده است.

محمدعلی فراشته

فراشته از ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان سردبیر روزنامه «چلنگر» فعالیت کرد و آثار اصلی خود را با نام‌های مستعاری «راد بازقلاعی»، «راد قلعه‌ای»، «معمارباشی» و «پرستو چلچله‌زاده» در همین روزنامه انتشار داد. نخستین باری که نام *فراشته* در محافل ادبی کشور مطرح شد، به کنگره نویسندگان ایران بازمی‌گردد که در تیر ماه ۱۳۲۵ به ریاست ملک الشعراء بهار و با حضور شخصیت‌هایی چون احسان طبری، صادق هدایت، نیما یوشیج و دهخدا برگزار شد. در این همایش، *فراشته* با خواندن دو

شعر «پالتوی چهارده ساله» و «شغال محکوم»، توجهات بسیاری را به خود جلب کرد. نبوی معتقد است که دوران حکومت رضاشاه، دوره طبع آزمایی افراشته بود. او در این سال‌ها شعرهای ساده انتقادی بسیاری با رویکردهای کمونیستی علیه وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران سرود (ر.ک. نبوی، ۱۳۷۸، ۱: ۲۲). این اقدام باعث شد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور به فرار و اختفا شود. او در بلغارستان با نام مستعار «حسن شریفی» فعالیت‌های مطبوعاتی و ادبی خود را از سر گرفت و با روزنامه فکاهی «استرشل» (Strechel) به معنی «زنبور قرمز» همکاری کرد و آثار در خور توجهی پدید آورد. البته دامنه این فعالیت‌ها چندان گسترده نشد؛ چراکه «در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ پس از ۵۱ سال زندگی به علت سکت قلبی چشم از جهان فرو بست» (افراشته، ۱۳۵۸: ۱۴).

افراشته آثار بسیاری در حوزه‌های مختلف ادبی از خود به یادگار گذاشت. از او نمایشنامه‌های متعددی در دست است که فقط یکی از آن‌ها با عنوان «کمدی اخوی زاده» به چاپ رسیده است. چند نمایشنامه او نیز، در دوره دوم روزنامه «چلنگر» انتشار یافت. افراشته مجموعه‌ای از اشعار خود را به نام «آی گفتمی» در سال ۱۳۲۴ و مجموعه‌ای از داستان‌های خود را به نام «مکتب نو» در سال ۱۳۳۱ چاپ و منتشر کرد (ر.ک. همان: ۱۳). او به عنوان شاعر و نویسنده‌ای متعهد، لحظه‌ای از بازگویی دردهای اجتماعی و سیاسی غافل نشد و محرومیت‌های افراد جامعه را به کمک ابزار هنری طنز آشکار کرد.

احمد مطر

احمد مطر در برهه‌ای از تاریخ عراق که مملو از اختناق و نابرابری اجتماعی بود، دیده به جهان گشود. این شرایط در دوران نوجوانی، جوانی و بزرگسالی او هم، ادامه پیدا کرد. تحمل این وضعیت برای مطر حقیقت‌جو و منتقد دشوار بود. از این رو با سلاح قلم به نبرد با کاستی‌های جامعه عراق پرداخت و به مبانی رسمی و تک‌صدای وقت تاخت. شعر او تریبون مردمی است که در چنگال استبداد اسیر بوده‌اند. نگاه اعتراضی مطر تنها به حاکمان کشورش محدود نشده و همه سلاطین عرب را در بر گرفته است. شعر او

آینه‌ای شفاف از پلشتی‌های جامعه‌ای است که سال‌ها از سوی منفعت‌طلبان داخلی و خارجی چپاول شده است. روحیه انقلابی‌گری و برهم‌زدن نظم حاکم بر جامعه، یکی از عمده‌ترین محورهای طنزهای او است. به این دلیل، چاپ و نشر آثار او در بیش‌تر کشورهای عربی ممنوع اعلام شده و خودش هم، حق حضور در این کشورها را ندارد.

شگردهای طنزپردازی مشترک در شعر افراشته و مطر

۱. تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار

شاعر با استفاده از تشبیه و استعاره که خیال‌انگیزترین صور خیالی هستند، مرزهای تخیل خود را تا بی‌نهایت گسترش می‌دهد و با این ترفند، بر جذابیت اثر خود می‌افزاید. یکی از بسترهای اصلی کارکرد استعاره و تشبیه در اشعار طنز است. طنزپرداز با مشبه یا مشبه به قرار دادن سوژه مورد نظر، گامی اساسی برای تولید خنده و جذب مخاطب برمی‌دارد. او با حالت مقایسه‌ای که میان دو طرف تشبیه برقرار می‌کند، مخاطب را به تفکری آمیخته به خنده وامی‌دارد. همچنین گاهی با بیان استعاری موفق به طرح و شرح نقدی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و ... می‌شود. /فراشته با آگاهی از قابلیت‌های ویژه تشبیه و استعاره، شعر معروف «پالتوی چهارده‌ساله» را سروده است. او به پالتوی کهنه خود شخصیتی انسانی بخشیده و با خطاب قرار دادن آن، از فقر، بی‌پولی و نبود درآمد کافی برای مردم سخن گفته است.

ای چارده‌ساله پالتوی من	ای رفته سر آستین و دامن
ای آنکه به پشت و رو رسیدی	جر خوردی و وصله‌پینه دیدی
هرچند که رنگ و رو نداری	وا رفته‌ای و اتو نداری
گشته یقه‌ات چو قاب دستمال	صد رحمت حق به لنگ بقال
پاره پوره، چو قلب مجنون	چل تکه چو بقچه گلین چون

(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۱۰)

در شعر ذیل، در انتقاد از رجل سیاسی، یکی از وزرای وقت را به نرّه‌شیر و موش تشبیه کرده و با بهره‌گیری از این ترفند ادبی، به انتخاب افراد ناشایست در پست‌های مهم کشوری اعتراض کرده است:

زمین ترکید و پیدا شد وزیری
قلندر قلچماقی نره شیری
وزیر ملت خواب و خموش است
بله شیر است، اما شیر موش است
(همان: ۱۵۲)

احمد مطر نیز دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود را با استفاده از تشبیه و استعاره بازگو کرده است. او از وطن خود سخن می‌گوید که چون کودکی نابینا و نزار، در تاریکی (نماد خفقان)، به سوی تباهی حرکت می‌کند. دزدان (حاکمان) از هر طرف به سمت او می‌آیند و داشته‌هایش را به یغما می‌برند. در این سروده نمادین، اوضاع و احوال آن روزهای عراق به خوبی تشریح شده است.

وَطَنِي / طِفْلٌ كَفِيفٌ وَضَعِيفٌ / كَانِ يَمْشِي آخِرَ اللَّيْلِ / وَفِي حَوَازِيهِ: / ماءٌ، وَزَيْتٌ، وَرَغِيفٌ /
فِرَّاهِ اللَّصِّ وَأَنْهَالٍ / بَسْكَينٍ عَلَيْهِ / وَتَوَارِي / بَعْدَمَا اسْتَوْلَى عَلَيَّ مَا فِي يَدِيهِ / ... وَالْوَالِي هُوَ
السِّكِّينِ / وَالشَّعْبُ نَزِيفٌ (مطر، ۲۰۱۱م: ۶۶)

- وطنم / کودکی کور و رنجور بود / که در انتهای شب راه می‌رفت / و در دستانش /
آب و روغن و گندم بود / دزدی کودک را دید دشنه در دست / به او حمله‌ور شد /
و پس از غارت دستانش / پا به فرار گذاشت / ... حاکم همان دشنه است / و مردم
به جان آمده از خونریزی مدام

در شعر ذیل، مطر به طور تلویحی مخاطبان خود را به عصیان و اعتراض بر علیه وضعیت نامساعد جامعه عراق فراخوانده است. بدین منظور با جان‌بخشی به پدیده‌ای بیجان، گفت‌وگوی میان دیوار و مبارزی نستوه را روایت می‌کند. دیوار نمادی از افراد خنثی و ترسو است که برای حفظ منافع خود، در برابر ستم سکوت کرده‌اند. فرد مبارز هم، نماد وجدان بیدار جامعه است.

هَتَفَ الْحَائِطُ: / يَكْفِي! / رَأْسُكَ انْدَقَّ / وَقَلْبِي تَحْتَ رَجْلِكَ انْفَطَرَ / أَنْتَ مُضْطَرٌّ؟! / تُمَرِّدُ! / لَوْ
تَمَرَّدْتَ / فَهَلْ أَكْثَرُ مِنْ هَذَا الضَّرَرِ؟ (همان: ۲۱۰)

- دیوار بانگ برآورد / بس است! / سرت شکسته شد / قلبم زیر پاهایت شکافت / آیا
تو مجبوری؟! / سرکشی کن! / اگر سر بیچی / آیا بیش از این از دست می‌دهی?
مطر با لحنی آتشین و زبانی تند به تمامی حاکمان عرب منطقه تاخته است.

از دید او، معضلات متعددی که اعراب به آن دچار شده‌اند، به واسطه سیاست‌های ناروای سران عرب به وجود آمده است. از این رو، آگاهانه به اتحادیه عرب حمله می‌کند و آن را باغ وحش حیوانات جنگلی می‌نامد.

فی جهة ما من هدی الكرة الأرضیة / قفصٌ عصریٌ لو حوش الغاب / یحرسهُ جندٌ و حِراب
... / قفصٌ عصریٌ لو حوش الغاب / لا یُمحُ للإنسانیة / أن تداخُلهُ / فلقد كتبوا فوق الباب:
جامعة الدول العربیة! (همان: ۷۴)

- در گوشه‌ای از این کره خاکی / قفسی نوین برای حیوانات جنگلی است / که
نظامیان مراقب آن‌اند /... / قفسی نوین برای حیوانات جنگلی / که به انسانیت /
اجازه ورود نمی‌دهد / بر درِ قفس نوشته‌اند: / اتحادیه عرب!

۲. تهکم و استهزاء

تهکم نوعی نفرین و دشنام و در سطحی کلان‌تر، هزل محسوب می‌شود، اما «فرق میان آن دو این است که ظاهر تهکم جد و باطن آن استهزاء است و هزل، عکس آن می‌باشد» (حلبی، ۱۳۶۴: ۸۶).

بنیاد تهکم «بر ضدیت و مباینت لفظ و معنی استوار است. ظاهر کلام بر تعریف و تمجید و ستایش شخص یا چیزی دلالت می‌کند، در حالی که حاکی از تحقیر و استهزاء است» (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۱۱۶). در شعر *افراشته*، این تکنیک بسامد بالایی دارد. او در شعر ذیل، مستقیماً به شاه جوان و کم‌تجربه پهلوی که جانشین پدرش شده، حمله کرده است و اقتدار ساختگی او را به سخره گرفته و پرده از ناتوانی وی در اداره امور کشور برداشته است.

آسوده بخواید که امن است و امان است!
ارواح قلی کشور ایران چو بهشتی است
باور نکنی شک بکنی سببه بیاری
ایران چو بهشتی است بله جان برادر
البته بهشت است برای چه نباشد؟

در سایه الطاف شهنشاه جوان است
صد ره بد. بهتر ز ععهد ک‌کیان است
دندان و دک و پوز تو تحویل آجان است
البته بهشت عدن مالک و خان است
جایی که عنان در کف این راهزنان است
(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۲۴)

افراشته عقیده داشت که فساد در میان تمامی لایه‌های حکومت رواج یافته و تنها افراد خائن و منفعت‌طلب به مقام و مرتبه‌ای می‌رسند. او چهره واقعی چنین افرادی را با استفاده از تکنیک تهکم به تصویر کشیده است.

ساکن دور حوض سلطانیم	ما که اطفال این دبستانیم
حامی راه و ملک غلطیم	خائنین بنام مملکتیم
سرنخ دست غیرمسئول است	وطن ما خدای ما پول است
بی‌چک و چونه می‌کنیم اجرا	امر او را بدون چون و چرا

(همان: ۲۰۴-۲۰۵)

فضای سیاسی حاکم بر عراق در دوران بعث، شبیه آن چیزی است که افراشته در ایران تجربه کرده است. شاعر، حاکم وقت را قاتلی نادان خوانده که به دلایل واهی، مردم را به دار می‌کشد و از بین می‌برد.

باسمِ والینا المَبَجَّل / قرّروا شَنقَ الذّی اُغْتالَ اُحی / لکنّهُ کانَ قَصیراً! / فمضی الجَلادُ
یسألُ: / رأسُهُ لا یَصِلُ الحبلُ / فماذا سوفَ أفعلُ؟ / بعد تفکیرٍ عمیقٍ / أمرَ الوالی بَشَنقِ بدلاً
منهُ / لِأَنّی کنتُ أطولُ! (مطر، ۲۰۱۱م: ۶۷)

- به نام نامی حاکم / دستور اعدام قاتل برادرم صادر شد، / اما قدّ قاتل کوتاه بود! /
جلّاد برای کسب تکلیف نزد حاکم رفت: / سرش به طناب دار نمی‌رسد / دستور
چیست؟ / حاکم بسیار اندیشید، / سپس فرمان داد تا مرا به جای او به دار
آویزند! / زیرا قدّ من / بلندتر بود!

یکی از محورهای اصلی طنز سیاسی مطر، غرب‌ستیزی اوست. شاعر تمامی حکام منطقه را دست‌نشانده آمریکا و استکبار جهانی می‌داند و از آن‌ها با عنوان «مردان اخته‌شده آمریکا» و «ببرهای کاغذی» یاد می‌کند. «طنز با نیشخندی کنایی و استهزاء‌آمیز که آمیخته با ابهامی از جنبه‌های مضحک و غیرعادی زندگی است، پای را از جاده شرم و تملک نفس بیرون می‌نهد» (سارتر، ۱۳۸۸: ۷۸). هدف مطر از بیان چنین صفاتی، اثبات ناتوانی، خواری، وطن‌فروشی و پوشالی بودن حکومت کسانی است که برای حفظ قدرت، خود را به بیگانه فروخته‌اند و برای ماندگاری خود، به آن‌ها تکیه کرده‌اند.

قَتَلَ «السَّادَاتُ» ... و «الشَّاهُ» هَرَبَ / قَتَلَ «الشَّاهُ» ... و «سوموزا» هَرَبَ / و «النمیری» هَرَبَ / و «دوفالیه» هَرَبَ ... / کُلُّ مَخْصِيٍّ لَأَمْرِيكَ / طَرِيدٌ أَوْ قَتِيلٌ مُرْتَقَبٌ! / كَلَّهْمُ نِمْرٌ / وَلَكِنْ مِنْ خَشَبٍ! (مطر، ۲۰۱۱م: ۷۲)

- سادات کشته شد ... شاه گریخت / شاه کشته شد... سوموزا گریخت / نمیری گریخت / دووالیه گریخت ... / همه مردان اخته شده آمریکا / فراری اند یا کشته ... / همه ببرند / اما ببرهای کاغذی!

۳. برعکس گویی

طنزپرداز با لحن و بیانی وارونه به شرح ماجرا می‌پردازد تا هدفش را به صورت غیرمستقیم با مخاطبش در میان بگذارد. در شعر *افراشته*، برعکس‌گویی شگردی ایده‌آل، برای بازگویی دغدغه‌های عمدتاً سیاسی است. به چالش کشیدن نهادهای دولتی، دادگستری و دفاع از حزب توده، مهم‌ترین محورهای استفاده از برعکس‌گویی در طنزهای *افراشته* محسوب می‌شود. او در اشعار ذیل، به موضوعات تضييع حقوق دهقانان و کشاورزان از سوی اربابان و نیز، فقر و تنگ‌دستی عامه مردم اشاره کرده است:

چرا فرزند جان بی‌هیچ علّت	نفاق افتاده بی‌خود توی ملّت
به جای بچه‌ام هستی تو قربان	عزیزم، نور چشمم، کارگر جان!
ولش کن حرف اینها را مده گوش	مکن حق نمک‌ها را فراموش
برای جیفه دنیای غدار	دل ارباب را از خود می‌آزار

(افراشته، ۱۳۵۸: ۳۷)

اگر لخت و عوری چرا دلخوری؟	که لختش قشنگ است حور و پری
دو صد پیرهن کرده بر تن پیاز	نیرزد به نزد کسان نیم‌غاز
ولی نرگس، از لختی و سادگی	گرامی‌شده از سرافتادگی
ز لختیت فخر است بر عالمی	که ذریّه حضرت آدمی
چه بیم ای برادر اگر کار نیست	گدایی که در عرف ما عار نیست
اگر صاحب خانه کردت جواب	جوانا! برو رو به قبله بخواب

(همان: ۶۹)

مطر بر نقش مردم در پیدایی و رشد وضعیت نابسامان سیاسی و اجتماعی عراق تأکید دارد. از دید او، عاملان شرایط پیش‌آمده، تنها حکام نیستند و کسانی که با سکوت و دفاع کورکورانه، به ستم‌پیشگان قدرت بیش‌تری بخشیده‌اند نیز مقصر محسوب می‌شوند. مطر برای تبیین این اندیشه، با بهره‌گیری از شگرد وارونه‌گویی، از مردم می‌خواهد که برای توفیق حاکمان دعا کنند و بابت توطئه‌گری، سرکوب، چپاول خزانه ملی و پرشدن زندان‌ها به فرمان آن‌ها، به درگاه خداوند سپاسگزار باشند.

أدعُ للحكّام بالنصرِ عَلَيْنَا يَا مُوَاطِنِ / وَأشكُرُ اللهَ / الذّي ألهمهم موهبة القمع وإبداع
الكمائن / قل: / إلهي / أعطهم مليونَ عين / أعطهم ألفَ ذراعٍ!! أعطهم موهبة أكبر / في ملءِ
الزنازين، وتفرغ الخزائن! (مطر، ۲۰۱۱: ۱۱۳)

- هموطن! دعا بخوان برای پیروزی حاکمان بر ما! و خداوند را سپاس گو/ که به آنان توان سرکوب و طرح توطئه الهام کرد/ بگو/ خداوند!! به آنان هزاران هزار چشم عطا کن! / به آنان هزار بازو عطا کن! / به آنان توانی فزون‌تر عطا کن! / تا زندان‌ها را پر کنند و خزانه‌ها را تهی!

۴. واژه‌های طنزآمیز

بار معنایی برخی از واژگان خنده‌آور است و مخاطب با شنیدن آن، ناخودآگاه می‌خندد. این قابلیت که در شماری از واژگان وجود دارد، بستری مناسب برای طنزپرداز فراهم می‌کند. در اشعار/فراشته، این واژه‌ها عمدتاً به نیت تشریح انتقادهای سیاسی به کار رفته‌اند. در شعر ذیل، فاصله طبقاتی میان مردم بازگو شده است. شاعر مونولوگ (تک‌گویی) همسر یکی از اعیان را با دایه‌ای فقیر روایت کرده است تا به خوبی نشان دهد که اربابان زمانه نسبت به زیردستان خود چه نگرشی داشته‌اند. نگاه ابزاری قدرتمندان به ضعیفان با استفاده از واژه‌ها و عبارتهای طنزآمیزی چون «ذلیل‌مرده»، «مرده‌شور برده»، «چش سفید»، «پررو»، «نکبت»، «کوفت»، «پستون» و «چپاندن»، به خوبی نمایان شده است.

دایه‌ای دایه ذلیل‌مرده
دایه! ای دایه مرده‌شور برده
چش سفید، حرف گوش‌نکن، پررو
باز رفتی رو گاهواره او

باز رفتی سراغ طفل خودت؟
مگر آقا نگفته با تأکید
بچه‌ات را بده غذا بخوره
بچه‌ت شیر می‌خواد چکار بدبخت؟!
بچه بی‌پدر، گدا دهقان
بچه‌ام را گذاشتی نکبت
بچه دایه را غذا بدهید
از کوفت و ماشرا بخوره
این اداها را درنیار بدبخت
پستون اینقدر تو حلق او نچپان
(افراشته، ۱۳۵۸: ۱۲۷)

در سروده‌های مطر، این شگرد کم‌تر دیده می‌شود. او بخشی از مخاطبان خود را بزدل خطاب کرده و بر نقش آن‌ها در شکل‌گیری و تداوم اختناق و ستمگری سیاسی تأکید ورزیده است. از دید او، مردم عراق در دور باطلی گیر افتاده‌اند که برآیند آن ترس از یکدیگر است. همین ترس بی‌پایه، عامل اصلی بقای حکومت جباران زمان شده است.
نخافُ مِنْ رِئیسِنَا/ لِأَنَّهُ یخَافُ/ هُوَ الذّی أَخَافُنَا/ وَحِینَ خِفْنَا خَافُ/ مَنْ سَیَزِیلُ خَوْفَنَا/
وَكَلْنَا خَوَافًا؟! (مطر، ۲۰۱۱: ۲۷۲)

- ما از رئیسمان می‌ترسیم؛/ زیرا که او می‌ترسد/ اوست که ما را می‌ترساند/ و
هنگامی که ما می‌ترسیم، او می‌ترسد/ چه کسی هراس را از دل ما دور خواهد
کرد/ وقتی همه ما بزدل ایم؟!

۵. توصیف خنده‌دار

هرگاه صحنه‌های ترسیم‌شده با حالت اصلی آن در تضاد باشد، مخاطب به طور ناخودآگاه می‌خندد. «برخی از نویسندگان به خصوص هنگام داستان‌نویسی، به جای توصیف معمولی شخصیت‌هایشان، سعی می‌کنند از توصیف‌هایی طنزآمیز استفاده کنند» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۶۹). در شعر ذیل، *افراشته* به توصیف شاخصه‌های ظاهری یکی از افراد به ظاهر مؤمن پرداخته و یک باور نادرست فرهنگی را به چالش کشیده است. بنا به عقیده شاعر، قضاوت افراد از روی ظاهر اشتباه است و نباید در دام انسان‌های ظاهر الصلاح افتاد. هدف *افراشته*، اصلاح یک باور و فرهنگ نادرست در جامعه است.

بیضوی ریش و تراشیده سری
کربلا، مشهد کرده سفری

اتصالاً دو لب اندر بس بس	پین پیشانی ماننده مس
لحظه‌ای عاقل و باطل نشست	سبحه مابین دو سبّابه دو شست
کبله محمود تره‌بار فروش	چنگک ریش فروهشته به گوش
فارغ از هرچه پدرسوخته بود	کبله‌ای چشم به هم دوخته بود
خوش خوشک داشت کوراوغلی می خواند	زیر و بم حنجره را می چرخاند
یکی اش کرد صدا، چشم گشود	توی بحبوحه های های بود
باغت آباد کدو بادمجان	یک عدد نایب و یک دانه آجان
یک چارک زنده، سه چارک مرده	کبله محمود دهان وا کرده
گفت و دولا شد و تعظیم نمود	چاکرم چاکر این هر دو وجود

(افراشته، ۱۳۵۸: ۵۱-۵۰)

طنز ابزار دور زدن سانسور است (ر.ک. شکرخواه، ۱۳۸۰: ۱۷۵). در اشعار احمد مطر، این کارکرد دیده می‌شود. او برای نشان دادن نبود آزادی بیان در عراق، داستان سرودن یکی از اشعار خود را روایت کرده است. مطر عقیده دارد که شعر خوب از دید حکومت، خنثی و بی‌اثر است و باز خوردی در جامعه ندارد و از دردهای اجتماع حرف نمی‌زند. بنابراین بهترین دفتر شعر از نگاه حاکمان، سفید و خالی از واژه و عبارت است!

فَكَرْتُ بَأَن أَكْتُبَ شِعْرًا / لَا يُهْدِرُ وَقْتَ الرَّقَبَاءِ / لَا يُتَعَبُ قَلْبَ الْخُلَفَاءِ ... / هَبَّاتٌ لِدَلِكْ أَقْلَامِي / وَوَضَعْتُ الْأَوْرَاقَ أَمَامِي / وَحَشَدْتُ جَمِيعَ الْأَرَاءِ ... / رَاجَعْتُ النَّصَّ بِإِمْعَانٍ / فَبَدَّتْ لِي عِدَّةُ أخطاءٍ / قُمتُ بِحَكِّ بِياضِ الصَّفْحَةِ / وَاسْتغْنَيْتُ عَنِ الْإِمضاءِ (مطر، ۲۰۱۱م: ۲۶۷)

به نوشتن شعری اندیشیدم / که وقت مراقبانم را هدر ندهد / قلب حاکمان را نیازارد ... / قلم‌هایم را آماده ساختم / کاغذها را پیش رو نهادم / و همه نظرها را گرد آوردم ... / متن را به دقت و ارسی کردم / چند خطا به نظرم رسید / سپیدی کاغذ را ستردم / به امضا نیازی نبود!

تفاوت شگردهای طنزپردازی در شعر افراشته و مطر

افراشته و احمد مطر اگرچه در بسیاری موارد از شگردهای مشابهی استفاده کرده‌اند تا دیدگاه‌های انتقادی خود را بازگو کنند، اما در مواردی به دلایلی از جمله فضای

اجتماعی و ادبی ناهمسان و ذائقه متفاوت مخاطبان، هر کدام از تکنیک‌های ویژه بهره برده‌اند. در ادامه به این شگردها که در سروده دو شاعر برجسته شده‌اند اشاره می‌شود.

شگردهای طنزپردازی برجسته در شعر افراشته

نقیضه‌سازی

نقیضه (Parody) تقلیدی اغراق‌آمیز از ویژگی‌های یک سبک به صورت طنزآمیز است، به نحوی که از واژگان، سبک یا طرز فکر نویسنده‌ای استفاده شود و با ایجاد تغییراتی هدفمند، آن ویژگی‌ها به صورتی خنده‌دار و در موضعی غیرجدّی و نابجا نمود پیدا کند (ر.ک. Cuddon, 1998: 642). نقیضه به سه شیوه صورت می‌گیرد: (۱) لفظی: تنها واژه‌های متن تغییر می‌کنند؛ (۲) صوری: نگارش یا سبک شاعر و نویسنده دچار دگرگونی می‌شود؛ (۳) درونمایه‌ای: از محتوای اثر، به صورت طنزآمیز تقلید می‌شود (ر.ک. صدر، ۱۳۸۱: ۱۲۶). در شعر *افراشته*، به دلیل تسلط او بر ادبیات کلاسیک فارسی، شاهد حضور این شگرد به هر سه شکل لفظی، صوری و درونمایه‌ای هستیم. شاعر با دستمایه قرار دادن اشعار نامی گذشتگان، انتقادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را بیان کرده است. برای مثال، با استفاده از غزل *حافظ* که محوری عاشقانه دارد، به شرح و تبیین مسأله فقر و تنگ‌دستی از طریق اشاره به شرح حال خود پرداخته است. در منظومه فکری *افراشته*، استفاده از این شگرد، نه تنها تفننی نیست، بلکه به انگیزه طرح دغدغه‌ای بنیادی بازگو شده است. از این رو نقیضه در شعر او جنبه تزئینی ندارد.

یاد باد آنکه ز ما وقت سحر یاد نکرد به وداعی دل غم‌دیده ما شاد نکرد

(حافظ شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

یاد باد آنکه عباکهنه، قباکهنه، به دوش بوده‌ام در سینه جرت مائه کهنه‌فروش

(افراشته، ۱۳۵۸: ۵۹)

در شعر دیگری، با تأثیرپذیری از سروده اخلاقی سعدی، به فرهنگ کار و فعالیت در جامعه و پرهیز از پخته‌خواری اشاره کرده است.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۱۸)

تن آدمی شریف است به شرط کار کردن نه به این لباس رسمی و یراق دور گردن
تو به قدر کود کاهو نشدی مفید، عمری شده‌ای جناب اشرف، به هوای مفت خوردن
(افراشته، ۱۳۵۸: ۸۱)

شگردهای طنزپردازی برجسته در شعر مطر

۱. غافلگیری

ایجاد غافلگیری در مخاطب، باعث افزایش تمرکز او برای دنبال کردن مطلب می‌شود. در طنز، «اصل غیر قابل پیش‌بینی بودن خیلی مهم است. ما به چیزی که غافلگیرمان کند، می‌خندیم. طنزنویس، جهان را همان‌طور که هست می‌بیند، اما آن را سر و ته به ما نشان می‌دهد» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۶۶). این تکنیک در شعر مطر، برای تبیین آراء سیاسی او به کار گرفته شده است. شاعر در سروده ذیل، موجودات زمین را به دو دسته تقسیم کرده است، اما آنچه ذکر می‌کند، با تعاریف معمول و آموخته‌های مخاطبان سازگاری ندارد. از این رو هنگامی که خواننده متوجه می‌شود که منظور مطر از این دو دسته، انسان و آمریکایی است، متعجب و غافلگیر می‌شود. هدف مطر، تلنگر زدن به ذهن گروه هدف و واداشتن او به تفکر درباره نقش دولت آمریکا در تعیین سرنوشت مردم خاورمیانه به ویژه عراق است.

فی الأرض مخلوقان: / إنس / وأمیریکان! (مطر، ۲۰۱۱م: ۱۴۲)

- مخلوقات کره زمین دو دسته‌اند: / انسان / و آمریکایی!

۲. اغراق

یکی از کارکردهای اصلی طنز، بازنمایی کاستی‌های جامعه است. در این رابطه، استفاده از اغراق اثربخشی ویژه‌ای دارد؛ چراکه با بزرگ‌نمایی مسائل گوناگون، دغدغه‌ها و مشکلات در نگاه مخاطبان بهتر جلوه‌گر می‌شود. اغراق «نوعی مجاز، وصف، مدح یا ذمّ چیزی زیادت از حدّ معمول است، به گونه‌ای که با عقل جور درنیاید و ممکن نباشد» (داد، ۱۳۸۵: ۴۲). طنزپرداز با بهره‌گیری از این تکنیک، تصاویر ذهنی خود را بزرگ‌تر از آنچه هست، در اثنای ابیات انعکاس می‌دهد. در اشعار مطر، اغراق پربسامد است. او برای

نشان دادن جوّ اختناق و حضور خبرچینان در تمامی بخش‌های جامعه، کودک تندرست و سالمی را به تصویر کشیده است که بابت شرایط جسمانی مناسب خود، موظّف به پاسخگویی به مأموران است. هدف مطر از این اغراق هنری، تاختن به فضای حکومتی آمیخته به وحشت و شک در عراق است.

وَلَدَ الطِّفْلُ سَلِيمًا / وَمُعَافَى / طَلَّبُوا مِنَهُ اعْتِرَافًا! (مطر، ۲۰۱۱: ۱۱۹)

- کودک تندرست و سالم / پا به دنیا گذاشت / از او اعتراف خواستند!

۳. تناقض

گاهی طنزپرداز در شعر خود به خلق تصاویری می‌پردازد که با هم سازگاری ندارند و در تناقضی آشکار هستند. این شرایط باعث تولید خنده در مخاطب می‌شود. شفیع کدکنی در اهمیت این شگرد، آن را محور تعریف همه طنزهای واقعی می‌داند (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴) و می‌گوید: «طنز عبارت است از تصویرهای هنری اجتماع نقیضین» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۴: ۵۱).

مطر آشفتگی‌های درونی خود را با استفاده از این شگرد نشان داده است. او در حالی بین زندگی و مرگ ایستاده است که به هیچ کدام تعلق ندارد و میان خویشتن و خویشتن، خود واقعی را گم کرده است. این حالت‌های پریشانی درونی در سطح خُرد، بیانگر وضعیت جامعه عراق در سطحی کلان‌تر است. به نظر می‌رسد مطر در شعر ذیل نماینده مردمی است که همچون او دچار پریشان‌حالی شده‌اند و بی‌برنامه و سردرگم، چشم به راه آینده‌ای مبهم هستند.

بَيْنَ حَيَاتِي وَمَمَاتِي / واقفٌ كَالْفَاصِلَةِ / لَسْتُ هُنَا ... وَلَا هُنَا / أَضِيعُ / مَا بَيْنِي وَمَا بَيْنِي أَنَا / وَكُلُّ نَبْضٍ فِي عَرُوقِي بُوصَلَةٌ (مطر، ۲۰۱۱: ۱۴۴)

- میان زندگانی و مرگم / چون فاصله ایستاده‌ام / نه اینجا ... نه آنجا / میان خویشتن و خویشتن / خود را گم کرده‌ام / حال آنکه نبض نبض رگ‌انم قطب‌نماست

نتیجه بحث

مهم‌ترین نتایج تحقیق حاضر عبارت است از:

- *افراشته* و *مطر* در جامعه‌ای زندگی کرده‌اند که آزادی بیان، فعالیت‌های سیاسی و نقد مبانی حکومتی ممنوع و همراه با عواقب ناخوشایندی بوده است. همچنین، ناهنجاری‌ها و کاستی‌های اجتماعی در این جوامع فراگیر بوده است. از این‌رو دو شاعر با استفاده از طنز، به نقد این شرایط پرداخته‌اند.

- جریان‌های سیاسی و اجتماعی که در جوامع ایران (کودتای ۲۸ مرداد) و عراق (شکست اعراب از اسرائیل) به وقوع پیوسته، اشعار *افراشته* و *مطر* را تحت تأثیر قرار داده است.

- تکنیک‌های طنزپردازی مشترک در طنزهای *افراشته* و *مطر* عبارت است از: تشبیه و استعاره‌های خنده‌دار؛ تهکم و استهزاء؛ برعکس‌گویی؛ واژه‌های طنزآمیز و توصیف خنده‌دار. افزون بر این، در طنز *افراشته*، نقیضه‌سازی و در طنز *مطر*، غافلگیری، اغراق و تناقض برجسته بوده است.

- هر دو شاعر از این تکنیک‌ها برای آگاهی‌بخشی به مخاطبان خود استفاده کرده‌اند و از این طریق، ارتباط قدرتمندی میان متن تولیدی و مخاطب پدید آورده‌اند.

- کارکرد اصلی این شگردها در طنز *مطر*، سیاسی و در طنز *افراشته*، سیاسی و اجتماعی است. هدف آن‌ها از گرایش به طنز، بازگویی دردها به امید درمان آن بوده است.

- طنزهای *مطر* تنها محدود به وضعیت جامعه عراق نمی‌شود و تمامی ملت‌های عرب را در بر می‌گیرد، اما شعر *افراشته*، در غالب موارد، سیاست‌های مورد نظر حزب توده را در ایران تبلیغ می‌کند.

- در طنزهای *مطر* به نقش مردم، حاکمان داخلی و استکبار جهانی در پیدایی و رشد خفقان سیاسی و کاستی‌های اجتماعی اشاره شده است، اما در اشعار *افراشته*، نقش حکومت وقت برجسته شده است.

کتابنامه

کتب فارسی

- اصلانی، محمدرضا. ۱۳۸۷ش، فرهنگ اصطلاحات و واژگان طنز، تهران: کارون.
- افراشته، محمدعلی. ۱۳۵۸ش، مجموعه آثار، گردآوری از نصرت‌الله نوح، تهران: توکا.
- آرین‌پور، یحیی. ۱۳۷۲ش، از صبا تا نیما، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: زوآر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۹ش، دیوان، به تصحیح مجتبی مینوی و قاسم غنی، تهران: طلایه.
- حلبی، علی‌اصغر. ۱۳۶۴ش، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، چاپ اول، تهران: پیک.
- داد، سیما. ۱۳۸۵ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- سارتر، ژان پل. ۱۳۸۸ش، ادبیات چیست، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، چاپ هشتم، تهران: نیلوفر.
- سعدی، مصلح‌الدین. ۱۳۸۵ش، کلیات، به تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ اول، تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۴ش، مفلس کیمیا فروش، چاپ دوم، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۵ش، این کیمیای هستی، به کوشش ولی‌الله درودیان، چاپ سوم، تبریز: آیدین.
- شکرخواه، یونس. ۱۳۸۰ش، طنز، تئوری‌ها و پارادایم‌ها، تهران: سالنامه گل‌آقا.
- صدر، رؤیا. ۱۳۸۰ش، بیست سال با طنز، چاپ اول، تهران: هرمس.
- نبوی، ابراهیم. ۱۳۷۸ش، کاوشی در طنز ایران، ج ۱، تهران: جامعه ایرانیان.
- نیکویخت، ناصر. ۱۳۸۰ش، هجو در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

کتب عربی

مطر، احمد. ۲۰۱۱م، المجموعة الشعرية، چاپ اول، بیروت: دار العروبه.

کتب لاتین

Cuddon, J.A. 1993, A dictionary of literary terms and literary theory, United Kingdom: Oxford.

مقالات

- پارس‌پور، آیدا و خوئینی، عصمت. ۱۳۹۵ش، «محتوای طنز در آثار محمدعلی افراشته»، فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سال ۸، شماره‌های ۲۸ و ۲۹، صص ۴۳-۱.
- رجبی، فرهاد. ۱۳۹۱ش. «رسالت طنز در شعر میرزاده عشقی و احمد مطر»، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۷، صص ۱۰۲-۷۳.

- سلیمانی، محسن. ۱۳۹۱ش، «شگردهای خنده‌سازان و طنزپردازان»، ارائه‌شده در مجموعه مقالات اسرار و ابزار طنزنویسی، صص ۲۹۸-۲۶۶.
- صدقی، حامد. ۱۳۸۴ش، «مهم‌ترین عناصر معنایی شعر احمد مطر»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب، سال ۱، شماره ۳، صص ۹۰-۶۹.
- عظیمی، کاظم و سپهوند، فاطمه. ۱۳۹۶ش، «مقایسه تطبیقی طنز سیاسی - اجتماعی در اشعار نسیم شمال و احمد مطر»، مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۳۱-۹.
- محسنی، علی‌اکبر. ۱۳۹۶ش، «بازتاب پیامدهای استبداد در شعر احمد مطر»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۹، شماره ۱۶، صص ۲۵۸-۲۳۷.
- مختاری، قاسم و سپهری‌نیا، جواد و جوکار، سمیرا. ۱۳۹۲ش، «طنز سیاسی - اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مطر»، کاوشنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۴۶-۱۲۱.
- موسوی، سید هاشم. ۱۳۸۳ش، «بازتاب قشربندی اجتماعی در طنز نسیم شمال و افراشته»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۸۱-۱۶۵.

Bibliography

Persian Books

- Afrashteh, MohammadAli 1358, collection of works, compilation of NusratAllah Nooh. Tehran: Tuka.
- Arianpour, Yahya. 1372, from Saba to Nima, C 2. Fifth Edition. Tehran: Zavvar.
- Aslani, MohammadReza. 2008, Dictionary of Humorous Terms and Words, Tehran: Karoon.
- Dad, Sima. 2006, Literature Dictionary of Literatures, Tehran: Morvarid.
- Hafez, Shams-al-din Muhammad. 2010, the court, to correct Mojtaba Minavi and Qasim Ghani. Tehran: Talaye.
- Halabi, AliAsghar. 1364, introduction to humor and humor in Iran, first edition. Tehran: Peyk.
- Sa'adi, Mosleh-al-Din. 2006 General, corrected by MohammadAli Foroughi. First Edition. Tehran: Hermes.
- Sadr, Roya. 2001, twenty years with humor, first edition. Tehran: Hermes.
- Sartre, Jean Paul. 2009, What is Literature?, translation of Abolhassan Najafi and Mostafa Rahimi, Eighth edition Tehran: Niloufar.
- Shafiei Kotkani, MohammadReza. 1995, Moflese Kimiaforoosh, Second Edition. Tehran: Sokhan.
- Shafiei Kotkani, MohammadReza. 2006, In Kimiaye Hasti, by the effort of ValiAllah Doroudian. Third edition. Tabriz: Aydin.

ShekarKhah, Younes. 2001, *Comic, Theories and Paradigms*, Tehran: Salname GolAgha.
Nabavi, Ebrahim. 1999, *Exploration in Iran's Comic*, J1. Tehran: Iranian Society.
Nikobakht, Nasser. 2001, *Hajv in Persian poetry*, first edition. Tehran: Tehran University.

Arabic book

Matar, Ahmad. 2011, *Al-Majmoatah-al-Sharia*, first edition. Beirut: Dar-al-Orouba.

Latin book

Azimi, Kazem and Sepahvand, Fatemeh. 2017 "A Comparative Comparison of Political-Social Soundings in the Poems of Nasim-e-Shomal and Ahmad Matar." *Comparative Literature Studies in Jiroft Islamic Azad University*. Year 11. Number 2. P.p 31-9.

Cuddon, J.A. 1993, *A dictionary of literary terms and literary theory*, United Kingdom: Oxford.

Articles

Mokhtari, Qasim and SepehriNia, Javad and Jowkar, Samira. 2013 "Political-social satire in the thoughts of Obeid Zakani and Ahmad Matar." *Explore the Literature of Comparative Literature at Razi University of Kermanshah*. Year 3, No. 12, pp. 146-121.

Mohseni, AliAkbar. 2016 "Reflect the consequences of tyranny in the poem of Ahmad Matar". *Journal of Sustainability Literature of Shahid Bahonar University of Kerman*. Year 9, Number 16. P.p 258-237.

Mousavi, Seyed Hashem. 2004 "The reflection of social stratification in the satire of the bare breeze and the mosque." *Persian language and literature magazine of Sistan and Baluchestan University*. Year 2, No. 2, pp. 181-165.

Parspour, Aida and Khoini, Esmat. 2016 "Comic content in the works of MohammadAli Afrashteh". *Islamic Azad University, Sanandaj Branch*. Year 8. Number 28 and 29. p.p 43-1.

Rajabi, Farhad. 2012 "The Composition of Comic in Mirzadeh Eshghi and Ahmad Matar's Poetry". *Arabic Language and Literature*. No. 7, pp. 102-73.

Sedghi, Hamed. 2005 "The most important elements of Ahmad Matar's poem". *Arabic Iranian Language and Literature Association*. Year 1, No. 3, pp. 90-69.

Soleymani, Mohsen 2012 "Laughter and Comedian Practices". Presented in the series of secrets and instruments of satire. P.p 298-266. First Edition. Soreye: Mehr: Tehran.